

## ده) کلام مرحوم نائینی درباره شبیهه مصداقیه مخصص لبی

مطابق تقریر مرحوم خوئی، مرحوم نائینی، مخصص های لبی را به ۳ قسم تقسیم می کند:

«و حاصل ما اختاره ان المخصص اللبی بحسب مقام الإثبات علی أنحاء ثلاثة:

أحدها: ما یوجب تقييد موضوع حکم العام و تضييقه نظیر تقييد الرجل فی قوله علیه السلام «فانظروا إلی رجل قد روى حديثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا إلخ» بكونه عادلا لقيام الإجماع علی ذلك فحال هذا القسم حال المخصص اللفظی فی عدم جواز التمسك بالعموم معه فی الافراد المشكوك فیها، و لا فرق فی ذلك بین كون المخصص اللبی من قبیل القرينة المتصلة كما إذا كان حکما عقليا ضروريا، أو من قبیل القرينة المنفصلة كما إذا كان حکما عقليا نظريا، أو إجماعا، فانه علی كلا التقديرين لا يمكن التمسك بالعموم فی الشبهات المصدقية.

و ثانيها: ما يكون كاشفا عن ملاك الحكم و علتہ من دون أن یوجب ذلك تقييد موضوع الحكم به، حيث انه لا یصلح تقييد موضوع الحكم بما هو ملاكہ، فان كان المخصص اللبی من هذا القبیل فلا إشكال فی جواز التمسك بالعموم عندئذ فی الشبهات المصدقية، و كشف هذا العموم بطریق الآن عن وجود الملاك فی تمام الافراد، فإذا شك فی وجود الملاك فی فرد كان عموم الحكم كاشفا عن وجود الملاك فيه و رافعا للشك من هذه الناحية كما أنه إذا علم بعدم الملاك فی فرد كان ذلك الفرد خارجا عن العام من باب التخصيص، فيكون سكوت المولى عن حكم ذلك الفرد اما لأجل مصلحة مقتضية له أو مفسدة فی بيانه كما فی المولى الحقيقي أو لجهله بعدم الملاك فيه كما ربما يتفق ذلك فی الموالى العرفية.

فالتیجة أن المخصص اللبی علی هذا سواء أ كان حکما ضروريا أم نظريا أم إجماعا لا یوجب تقييد موضوع الحكم فی طرف العام»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. قسم اول مخصص های لبی هستند که موجب می شوند موضوع حکم عام مقید شود
۲. مثال: اجماع داریم که باید فقیه عادل باشد، و این دلیل روایت «فانظروا الی الرجل...» را مقید می کند.
۳. این قسم هم حکم با مخصص لفظی است، یعنی نمی توان در شبهات مصداقیه (اگر عالمی را شک داریم که عادل است) به عام تمسک کرد
۴. فرقی هم نمی کند که مخصص لبی از قبیل قرائن متصله (ما یصح ان یتکَل علیہ) باشد یا از قبیل قرائن منفصله

۱. محاضرات، ج ۵، ص ۲۰۳



۵. قسم دوم آن مخصص‌های لیبی هستند که موجب تقييد موضوع حکم نمی‌شوند، بلکه ملاک و علت حکم را معلوم می‌کنند.

۶. و می‌دانیم که علت حکم، موضوع حکم را مقيد نمی‌کند. [مثال: «لعن الله بنب امية قاطبة» عام الاستولى ملاک لعن، عدم ايمان است. اما عدم ايمان، بنی امیه را مقيد نمی‌کند که به اینکه چنین دليل چنین شود: «خدا بنی امیه غير مؤمن را لعنت کند»<sup>۱</sup>]

۷. در چنین جایی، در شبهات مصداقيه خاص می‌توان به عام رجوع کرد بلکه عموم کاشف از آن است که در این فرد مشکوک ملاک موجود است و لذا جریان عموم در این فرد می‌تواند رافع اصل شک و شبهه باشد.

۸. پس اگر گفته شد «لعن الله بنی امیه»، اگر یقین داریم که زید مؤمن است از تحت دليل خارج است و اگر لفظاً زید را خارج نکرده است، یا مصلحتی بوده است (اگر مولا عالم است) و یا فراموش کرده و یا غافل بوده است (اگر مولا عالم نیست) ولی اگر شک داریم که زید مؤمن است یا مؤمن نیست، می‌گوییم همین که بنی امیه به صورت عام مورد لعن واقع شده‌اند، معلوم می‌شود که زید هم مؤمن نیست و باید لعن شود.

۹. و در اینجا فرقی هم بین صورتی که مخصص لیبی ضروری است (و لذا ممکن ان يتکل عليه) و یا ضروری نیست (و لذا لا يمكن ان يتکل عليه) نیست.

مرحوم نایینی سپس به قسم سوم اشاره کرده است و می‌نویسد:

« و ثالثها: ما لا يكشف عن شيء من الأمرين المزبورين يعني لا يعلم أنه يكشف عن تقييد موضوع حكم العام أو عن ملاكه فيدور أمره بينهما، فإذا كان حال المخصص اللبى كذلك فهل يمكن التمسك بالعموم حينئذ في موارد الشك فقد فصل (قده) بين ما إذا كان المخصص اللبى حكماً عقلياً ضرورياً بحيث يمكن للمولى الاتكال عليه في مقام البيان و ما إذا كان حكماً عقلياً نظرياً أو إجماعاً، فعلى الأول لا يجوز التمسك بالعموم في موارد الشبهة المصدقية حيث ان المقام يكون من قبيل احتفاف الكلام بما يصلح للقرينة فيسقط ظهوره في العموم لا محالة، فان هذا المخصص اللبى ان كان كاشفاً عن الملاك لم يكن مانعاً عن انعقاد ظهوره في العموم، و ان كان كاشفاً عن تقييد موضوع العام كان مانعاً عنه، و بما أنه مردد بين الأمرين فلا محالة يكون مانعاً عن انعقاد الظهور، و على الثاني فلا مانع من التمسك بالعموم حيث ان ظهور الكلام في العموم قد انعقد فلا مانع من التمسك به في الشبهات المصدقية، و السبب في ذلك هو ان أمر المخصص بما أنه يدور بين الأمرين المزبورين فبطبيعة الحال لا علم لنا بتقييد الموضوع به في

۱. فوائد الاصول، ج ۲، ص ۵۳۸



الواقع، بل هو مجرد الاحتمال، و من الطبيعي ان ظهور كلام المولى في العموم كاشف عن عدم تقبيده به و هو حجة. و لا يمكن رفع اليد عنه بمجرد الاحتمال.<sup>1</sup>

توضیح:

۱. قسم سوم آن صورتی است که نمی‌دانیم دلیل لبی آیا کاشف از ملاک است و یا مقید موضوع است  
 ۲. در این صورت مرحوم نایینی بین جایبکه یمکن ان یتکل علی الدلیل لبی و جایبکه لا یمکن ان یتکل فرق گذاشته است

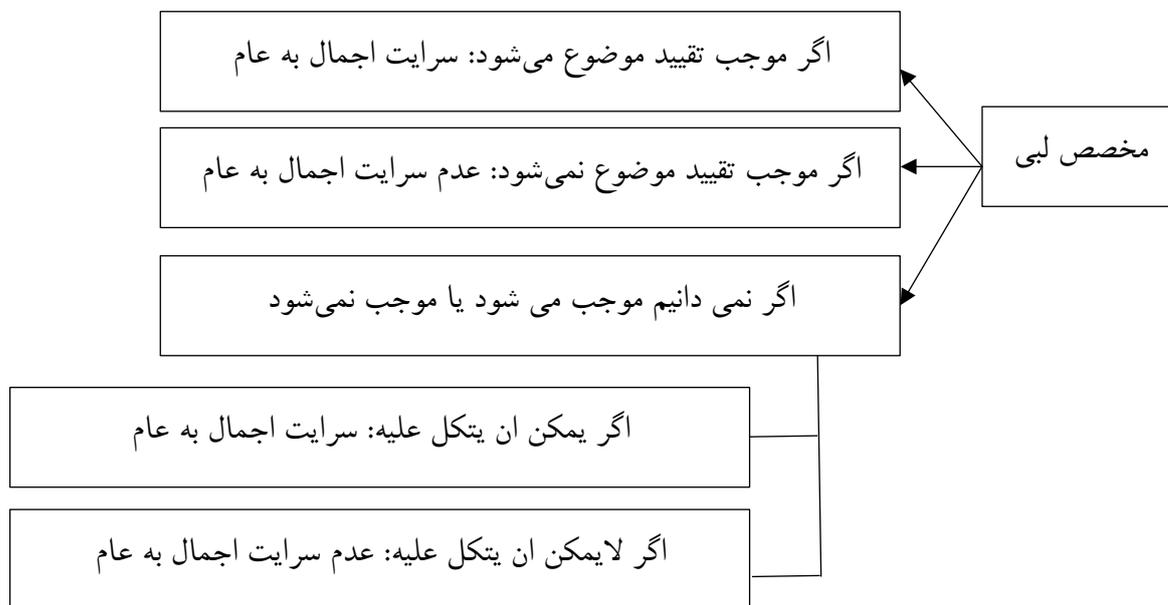
۳. چرا که اگر مخصص لبی از «ما یمکن ....» است، کلام محفوف به قرینه‌ای است که ممکن است موضوع را مقید کرده باشد (و ممکن است نکرده باشد) و صرف اینکه کلام «محفوف بما یصلح للقرینه» است، مانع از جریان اصالة الظهور می‌شود

۴. ولی اگر مخصص لبی از «ما لا یمکن ان یتکل علیها» است، مانعی از جریان اصالة الظهور در میان نیست چرا که:

۵. «ما لا یمکن ان یتکل علیها» محفوف به کلام است و اگرچه احتمال آن می‌رود که مقید موضوع باشد ولی این صرفاً یک احتمال است و اصالة الظهور مانع از این احتمال می‌شود.

ما می‌گوییم:

۱. مطابق تقریری که مرحوم خوبی از مرحوم نایینی کرده است، کلام مرحوم نایینی چنین است:



۱. محاضرات، ج ۵، ص ۲۰۴

